

اتهام‌زنندگان آلزایمر دارند نه مهدی کروی

حسین کروی در گفت‌وگو با «اعتماد» از 13 سال حصر، وضعیت مهدی کروی و فضا سازی‌های تخریبی علیه محصورین می‌گوید

با یادداشت‌هایی از الیاس حضرتی و غلامحسین کرباسچی

مهدی بیک‌اوغلی

روز دوشنبه 4 اردیبهشت‌ماه 1402 بود که روزنامه جام جم ارگان رسمی صداوسیما در گزارشی مدعی شد که مهدی کروی علایمی مبنی بر «اختلال ذهنی شبیه آلزایمر» از خود نشان داده است. دامنه ادعاهای جام جم اما به همین اتهام محدود نماند، این گزارش در ادامه از کاهش محدودیت‌های کروی در حصر می‌نویسد؛ ادعاهایی که بلافاصله با تکذیب حسین کروی فرزند مهدی کروی مواجه می‌شود. توهین ارگان رسمی صداوسیما به مهدی کروی اما بازتاب‌های وسیعی در فضای مجازی پیدا کرد. افکار عمومی با انتقاد از رفتارهای دوگانه صدا و سیما و بی‌تفاوتی به مطالبات مردم این رفتارهای صداوسیما را عاملی برای رویگردانی مردم از رسانه ملی و انتقال مرجعیت به رسانه‌های خارج از کشور ارزیابی کردند. حسین کروی اما در گفت‌وگوی اختصاصی با «اعتماد» ضمن بازخوانی وضعیت مهدی کروی در حصر نگاهی به چرایی طرح این اتهامات می‌پردازد. حسین کروی می‌گوید: «اینکه نظام تصور کند صرفاً از طریق حل مشکل رد صلاحیت‌ها می‌تواند مردم را برای حضور پای صندوق‌های رای راضی کند، اشتباه محض است. حکومت حتماً باید چند کار مهم انجام دهد تا مردم در انتخابات شرکت کنند. یکی از مهم‌ترین اقدامات گشایش‌های اقتصادی است. سپس احیای برجام و نهایتاً نظارت استصوابی باید برداشته شود.»

اخيرا روزنامه جام جم ارگان رسمي صداوسيما ادعاهايي درباره آلزایمر داشتن آقای کرويبي منتشر کرده است که بازخوردهاي منفی فراواني میان ایرانیان داشته است. شما این خبر را تکذیب کردید، فکر میکنید این اخبار با چه انگیزه‌هايي منتشر میشوند؟

من انگیزه این افراد و جریان‌ات را متوجه نمیشوم. شاید نگران موضع‌گیری‌هاي آقای کرويبي هستند و میخواهند در زمان انتشار بیانی‌ها و صحبت‌هاي ایشان بگویند، «کرويبي حواس کافی ندارد.» شاید هم نگران محبوبیت بالای محصورین در افکار عمومی هستند و از طریق این حاشیه‌سازي‌ها به‌زعم خود تلاش میکنند به محبوبیت آنها خدشه وارد سازند. البته باید از افرادی چون غلامحسین کرباسچی، محمد قوچانی و... که ایشان را به تازگی ملاقات کرده‌اند درباره وضعیت ذهنی و آلزایمر داشتن یا نداشتن مهدی کرويبي سوال کنید. البته طبیعی است وضعیت آقای کرويبي با يك جوان 30ساله فرق داشته باشد اما کاملاً از نظر ذهنی سلامت هستند و خاطرات دور و دراز را کاملاً به یاد دارند.

از حصر آقایان موسوي و کرويبي، بیش از 13سال می‌گذرد. این سال‌هاي متمادی برای آقای کرويبي چگونه سپری شده است؟

3 الي 4سال ابتدایی حصر 13ساله بسیار دشوار و سخت بود. آقای کرويبي تنها در یکی از آپارتمان‌هاي امنیتی با حضور نیروهاي امنیتی با محدودیت‌ها و کمبودهاي فراواني زندگی می‌کرد. پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهوری در سال 92، پورفلاح یکی از معاونان وزارت اطلاعات تلاش زیادی کرد و آقای کرويبي را به منزل خودشان در جماران آوردند. اما خانه جماران پله‌هاي زیادی داشت و مشکل‌ساز بود، در این بازه زمانی آقای کرويبي چهاربار زمین خورد و دست و پایش شکست، ضمن اینکه کمرشان هم دو بار دچار شکستگی شد. این شکستگی‌ها باعث شد ایشان بارها زیر تیغ جراحی بروند. این 7 الي 8 عمل باعث شد پدرم از نظر فیزیکی آسیب‌هاي زیادی ببینند. اما خوشبختانه خودشان کارهاي شخصیشان را انجام می‌دهند و محتاج کسی نیستند. ضمن اینکه از نظر روحی و روانی و فکری، مشکل خاصی ندارند و کاملاً سالم هستند.

بفرمایید مهدی کرويبي روزهایش را در حصر چطور می‌گذراند؟ مردم کمتر از وضعیت درونی حصر اطلاع دارند.

ببینید، ایشان در گذشته بسیار مطالعه می‌کردند. کمی هم در آپارتمان پیاده‌روی کرده و مانند زندانیان از این سوي اتاق به آن سو می‌رفتند. پس از عمل آب مروارید چشم‌هايشان، مطالعه برایشان سخت

شده، ساعاتشان را هم با خواندن و حفظ قرآن، خواندن شعر و... می‌گذرانند. روی هم رفته هم از نظر جسمی و هم روحی شرایط مناسبی دارند و مشکلی ندارند. تنها مشکل ایشان اعمال يك حصر غیرقانونی، غیرشرعی و غیراخلاقی است.

طی سال‌های اخیر برخی رسانه‌های اصولگرا تبلیغات زیادی درباره برداشته شدن حصر صورت می‌دهند. درباره ادعاهای برداشته شدن حصر، توضیح می‌دهید؟

تا 3-4 سال قبل، شرایط حصر بسیار سخت بود. به گونه‌ای که حتی خانواده تنها هفته‌ای يك بار فرصت ملاقات با آقای کروبی را داشتند. 3-2 سالی است که شرایط کمی بهتر شده است. ماهواره نصب شده و خانواده هر زمان که بخواهند، می‌توانند ملاقات داشته باشند. برخی دوستانشان هم با موافقت نهادهای امنیتی می‌توانستند دیدار داشته باشند. البته برخی از این افراد به دلیل فعالیت‌های سیاسی که داشتند از ملاقات آقای کروبی محروم شدند. نمونه بارز آقای الیاس حضرتی است که به خاطر مطالبی که روزنامه اعتماد درباره رخدادها اعتراضی اخیر منتشر می‌کرد و قرارگاه ثارالله از ایشان ناراضی بود، امکان ملاقات پیدا نکردند. حدود 7 ماه است که آقای حضرتی ممنوع‌الملاقات شده است. در واقع گشایش‌های حصر در حد برخی ملاقات محدود، نصب ماهواره و چند ملاقات اندک است. حضور در منزل آقای کرباسچی، دیدار با آقایان علیخانی و محمد قوچانی از جمله دیدارهای حضوری ایشان است. اما شرایط کلی حصر تغییری نکرده است، نیروهای امنیتی حضور دارند و محدودیت‌ها پابرجاست. ایشان معتقدند که زندانی حکومت هستند و می‌گویند: «اگر حکومت بخواهد گشایشی در حصر داشته باشد من از آن استقبال می‌کنم. اگر اجازه داشتن تلفن، ماهواره و... را به من بدهند از آن استفاده می‌کنم. خودم نباید خودم را زندانی کنم و محدودیت‌های بیشتری برای خودم اعمال کنم.» حتی مصطفی تاجزاده به خود من گفت: در زندانی نوبت اول که 7 سال انفرادی بودم، هر زمان که می‌خواستند به من مرخصی بدهند، استقبال می‌کردم و خودم را اذیت نمی‌کردم. این شیوه را آقای کروبی هم دارند.

یکی از ابهامات جدی درباره حصر، موضوع برگزاری دادگاه محصورین است. در سطح بین‌الملل شاید کمتر نمونه‌ای را بتوان پیدا کرد که فردی بدون برگزاری دادگاه 13 سال متمادی را در حصر گذرانده باشد. آقای کروبی درباره ضرورت برگزاری دادگاه چه می‌گویند؟

هم خود ایشان و هم خانواده تصور نمی‌کردند حصر بیش از يك الی 2 سال

طول بکشد. اما امروز بیش از 13 سال از حصر ایشان گذشته است. ایشان بارها نامه نوشته و درخواست کرده تا تعیین تکلیف قانونی شود. نمیشود که فردی بدون حکم دادگاه و حتی مصوبه شورای عالی امنیت ملی و... این همه سال حصر باشد. حسن روحانی يك زمانی به یکی از دوستان گفتند که در زمان طرح موضوع حصر در شورای عالی امنیت ملی، هیچ مصوبه‌ای وجود نداشت. تنها نوشته‌ای روی يك کاغذ خوانده شد و با این کاغذ نوشته، فرآیند حصر آغاز شد. بنابراین حصر مبتنی بر حکم، مصوبه و قانون صورت نگرفته است. آقای کروبی هم اعلام کرده‌اند از برگزاری دادگاه علنی استقبال می‌کنند. اما هیچ پاسخی به درخواست ایشان داده نشد و ایشان غیر شرعی، غیر اخلاقی و غیرقانونی در حصر هستند.

زمانی که درباره برگزاری دادگاه مطالباتان را مطرح می‌کنید، مسوولان قضایی و امنیتی چه پاسخی به شما می‌دهند؟
من دوست ندارم اسم اشخاص را بیاورم چون ممکن است راضی نباشند اما به شما می‌گویم این گفت‌وگوها در سطح سران سه قوه و اعضای شورای امنیت ملی بوده است. زمانی که با این مسوولان صحبت می‌کنیم، می‌گویند، حصر دست آنها نیست و اختیاری ندارند.
آیا این مسوولان قوای سه‌گانه خود را طرفدار رفع حصر معرفی می‌کنند؟

بله، همگی موافق برداشته شدن حصر هستند؛ هم روسای قوای قبلی کشور و هم روسای قوای فعلی کشور صراحتاً خود را طرفدار رفع حصر معرفی کرده‌اند. در عین حال اما می‌گویند که شرایط به گونه‌ای است که امکان رفع حصر وجود ندارد. در کل کسی مسوولیت رفع حصر را گردن نمی‌گیرد.

اما برخی اظهارنظرها حاکی از آن است که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نامه‌ای برای آغاز حصر نوشته شده است. شما از جزئیات موضوع خبر دارید؟

با صراحت به شما می‌گویم، آقای روحانی اشاره کردند، هیچ مصوبه‌ای در شورای عالی امنیت ملی وجود نداشته است، فقط يك کاغذی در حد يك کف دست، توسط جلیلی درباره آغاز حصر خوانده شد و پس از آن آقایان کروبی و موسوی وارد حصري شدند که تا به امروز ادامه داشته است. آقای روحانی در ادامه درباره نشستی که پس از آن حصر آغاز شده، می‌گوید من چشم انداختم ببینم، چه کسی این نامه را نوشته، دیدم حتی نامه تایپ‌شده نیست و دست‌نویس است. سعید جلیلی نامه را خوانده و پس از آن روند حصر آغاز می‌شود.

در سال‌های بعد رخدادهاي اعتراضی یکی پس از دیگری از راه می‌رسند. طی سال‌های 96، 98 و 1401 رخدادهاي اعتراضی آغاز می‌شود.

واکنش آقای کروی به رخدادهای اعتراضی پس از فوت مهسا امینی چه بوده است؟

اولا باید بگویم که آقای کروی از طریق ماهواره و سایتها و کانالها در جریان ریز اخبار و رخدادهای کشور هستند. هم کیهان و «اعتماد» را مطالعه میکند و هم هرروز برنامههای ماهوارهای و دیدگاههای دیگر را مرور میکنند. ایشان حتی در جریان ریز قیمت اقلام مصرفی و کالاهای مصرفی مردم هستند. آقای کروی زمانی که مصایب مردم را میبینند بسیار متاسف و ناراحت میشوند. بارها گفتهاند که «متوجه نمیشود مسوولان چه میکنند.» ایشان میگویند: «مردمی که انقلاب کردند، پای انقلاب ایستادند و 8 سال جنگ ایستادگی کردند، امروز بلایی به سرشان آمده که از صبح که از خواب برمیخیزند، به فکر روغن و برنج و نان و تخم مرغ هستند.» البته کاری از دست ایشان برنمیآید و بیشتر خون دل میخورند. بارها از دهان ایشان شنیدهام: «1200 سال روحانیت آبرو جمع کرد باید مراقب بود در عرض چند سال این آبرو بر باد نرود. از زمان شیخ مفید و صدوق بیش از هزار سال روحانیت آبرو جمع کرد، نباید با شیوه حکمرانی این آبرو به زمین ریخته شود.»

کنشگریهای سیاسی آقای کروی طی سالها و دهههای متمادی حاکی از آن است که ایشان همواره مشوق حضور مردم در انتخابات بودند. بعضا نقشهای جدی هم در بزنگاههای انتخاباتی ایفا میکردند. وقتی با ایشان صحبت میکنید درباره انتخابات سال 1402 مجلس چه دیدگاههایی را مطرح میکنند؟

ایشان همواره معتقد به کار انتخاباتی و حزبی بودند. در سال 76 بسیاری از طیفهای سیاسی میانه‌رو و جریاناتی که بعدها از آنها با عنوان اصلاح‌طلبان یاد میشود، امیدی به توفیق و حتی اثرگذاری در انتخابات نداشتند. شخص سید محمد خاتمی بارها به آقای کروی میگفت که من اگر وارد مارا تن انتخابات شوم، آبرویم را از دست میدهم. اما آقای کروی به این حضور اصرار داشت و خاتمی را از کتابخانه ملی راهی پاستور کرد. آقای کروی تا سال 1400 معتقد به کار حزبی و انتخاباتی بودند. حتی از ناصر همتی هم دفاع کرد و خواستار مشارکت بیشتر مردم در انتخابات 1400 شد. اما امروز معتقد است که حکومت دیگر حضور چهره‌هایی چون علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری را هم در انتخابات برنمی‌تابد. در واقع سیستم همه درها را بسته و نمی‌گذارد افراد متخصص وارد دایره انتخابات شود. اما اگر حداقلها برای کارهای انتخاباتی فراهم بود، ایشان همچنان معتقد به کار انتخاباتی و حزبی بودند. ولی امروز فضا کاملا بسته و مسدود است حکومت اجازه کار حزبی را نمیدهد.

برای افزایش مشارکتهای عمومی در انتخابات ایشان چه نظری دارند؟

اینکه نظام تصور کند صرفاً از طریق حل مشکل رد صلاحیتها میتواند مردم را برای حضور پای صندوقهای رای راضی کند، اشتباه محض است. حکومت حتماً باید چند کار مهم انجام دهد تا مردم در انتخابات شرکت کنند. یکی از مهم‌ترین اقدامات گشایشهای اقتصادی است. برای حل مشکلات اقتصادی باید احیای برجام در دستور کار قرار گیرد. دولتی که وعده میدهد و عمل نمیکند، بعد همه هنرش استقراض از بانک مرکزی و چاپ اسکناس است تورم را به محدوده 80 درصدی میرساند و...، نمیتواند مطالبات مردمش را پاسخ دهد. در مرحله بعد باید نظارت استصوابی در عمل برداشته شود. از طریق حضور افراد کارآمد و شایسته و مردمی ممکن است بخشی از مردم پای صندوقها حاضر شوند. با اتفاقات تلخی که از سال 96 و 98 در ماجرای بنزین و پس از آن در ماجرای فوت مهسا امینی رخ داد، ارتباط بخشهایی از مردم با نظام مخدوش شد. این بسترها باید فراهم شود تا شاید بخشی از مردمی که با سیستم قهر کرده‌اند راضی به مشارکت در انتخابات شوند.

باید از افرادی چون غلامحسین کرباسچی، محمد قوچانی و... که ایشان را به تازگی ملاقات کرده‌اند درباره وضعیت ذهنی و آلازایمر داشتن یا نداشتن مهدی کروبی سوال کنید.

هم خود ایشان و هم خانواده تصور نمی‌کردند، حصر بیش از یک الی 2 سال طول بکشد، اما امروز بیش از 13 سال از حصر ایشان گذشته است. هم روسای قوای قبلی کشور و هم روسای قوای فعلی کشور صراحتاً خود را طرفدار رفع حصر معرفی کرده‌اند. در عین حال اما می‌گویند که شرایط به گونه‌ای است که امکان رفع حصر وجود ندارد. آقای روحانی اشاره کردند، هیچ مصوبه‌ای در شورای عالی امنیت ملی وجود نداشته است، فقط یک کاغذی در حد یک کف دست، توسط جلیلی درباره آغاز حصر خوانده شد و پس از آن آقایان کروبی و موسوی وارد حصر شدند.

آقای کروبی تا سال 1400 معتقد به کار حزبی و انتخاباتی بودند. اما امروز معتقد است که حکومت دیگر حضور چهره‌هایی چون علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری را هم در انتخابات برنمی‌تابد. در واقع سیستم همه درها را بسته.

منبع: روزنامه اعتماد 6 اردیبهشت 1402 خورشیدی